

گزارش یک سفر کنکاشی در عسلویه، قلب انرژی ایران



«... امروز، پارلمان ایران پیشنهاد ملی کردن صنعت نفت را در این کشور تصویب کرد.

این پیشنهاد از طرف عده معدودی از مرتجعین و ثروتمندان و... پشتیبانی می‌شود... چند نفر منفی باف که عده‌ای از جوانان ساده لوح از آنها پیروی می‌کردند، فریاد می‌زدند: «نفت ایران برای ایرانی» ولی هیچ کس نگفت؛ چه طور ممکن است که ایرانی نفت خود را اداره کند؟ فقط کسانی از قبیل رزم آرا که می‌دانستند اداره کردن نفت به دست ایرانی عملی نیست، با پیشنهاد ملی کردن نفت مخالفت می‌کردند...»

این مطالب بخشی از موضع‌گیری‌های رادیو لندن بعد از تصویب قانون ملی شدن نفت در ۲۴ و ۲۹ اسفند ماه سال ۱۳۲۹ (۱۹۵۱) در مجلس شورای ملی و سنای وقت بود
با خواندن این مطالب اولین سؤالی که به ذهن‌ها خطور می‌کرد این بود که بعد از گذشت بیش از ۵۰ سال از ملی شدن صنعت نفت چه میزان از توان اداره آن در اختیار ماست؟

برخلاف معمول از ترمینال فرودگاهی ساها در بخش جنوبی محوطه فرودگاه باید با هواپیما به فرودگاه عسلویه که در ضلع جنوبی جاده بوشهر - بندرلنگه که از میان منطقه ویژه انرژی پارس جنوبی می‌گذرد، پرواز می‌کردیم. در ترمینال ساها در تهران یکی از همراهان گروه که از خبرنگاران بود نجواگونه با خود می‌گفت: «کشف‌های واکس کشیده و موه‌های مرتب دوستانمان بعد از برگشت از عسلویه دیدنی

امکان نمایندگی مردم در این منطقه ساحلی به ویژه در نقش گوش و چشم آنها وظیفه ما را سنگین‌تر می‌کرد به همین منظور و برای همراه کردن همه خوانندگان در این سفر تمام آنچه که دیده و یا شنیده شد گزارش می‌شود:
سفر به منطقه ویژه انرژی پارس جنوبی که قرار است با شروع بهره‌برداری از پروژه‌های گاز، طرح‌های نفت و پتروشیمی نیز در آن اجرا شوند نیز شکل ویژه‌ای داشت.

گروه خبرنگاران رسانه‌های داخلی ۵۱ سال بعد از آن واقعه در حال حرکت به سمت قطب انرژی سال‌های آینده، منطقه پارس جنوبی (عسلویه) بود تا میزان پیشرفت فازهای مختلف توسعه میدان عظیم گازی پارس جنوبی را از نزدیک ببینند و برای انتقال دیده‌ها و شنیده‌های خود به ۶۵ میلیون نفر جمعیت کشور و سایر علاقمندان، گزارش دهند در ۲۷۰ کیلومتری جنوب شرقی استان بندری بوشهر چه می‌گذرد.

است» پشت تلخی این طعنه سختی کارکردن در هوایی با گرمای ۴۵ درجه سانتی گراد و رطوبت ۹۵ درصد نهفته بود. ما در بهترین شرایط ممکن یعنی در درجه حرارت ۱۸ تا ۲۰ درجه سانتی گراد دمای هوای اتوبوس حامل گروه خبری به بخش ساحلی پارس جنوبی می‌رفتیم. بعد از پروازی در حدود ۲/۵ ساعت، به فرودگاه عسلویه رسیدیم

از داخل فرودگاه عسلویه و پشت پنجره‌ها هواپیما کوه‌های منطقه پارس جنوبی بسیار شبیه به کوه‌های شمال تهران بود و بخش شمالی این ساحل را در زیر بال‌های خود محافظت می‌کردند. فاصله بین کوه و دریا هم از چند کیلومتر تجاوز نمی‌کرد. در این حاشیه قرار است تأسیسات مربوط به توسعه فازهای مختلف میدان مستقل گازی پارس جنوبی احداث شود. با خروج از فرودگاه ما را به تأسیسات اداری - رفاهی منطقه ویژه انرژی پارس جنوبی منتقل کردند تا در کنار استراحت و پذیرایی کوتاه با مدیر منطقه؛ یوسفیان آشنا شده و فیلم کوتاهی را نیز که بدین منظور تدارک دیده شده بود، تماشا کنیم.

حقیقت آن است که با وجود اطلاع رسانی انجام شده هنوز مردم کشور و حتی برخی از آشنایان به مسایل اقتصاد انرژی نیز از بزرگی و عظمت میدان گازی پارس جنوبی و عملیات جاری در آن اطلاع دقیقی ندارند. البته تمام این مشکل از اینجا ناشی نشده و رسانه‌ها نیز در این بین بی‌تقصیر نبوده‌اند هر چند که آنها در شرایط فعلی محدودیت‌هایی برای عملی کردن تصمیم‌های خود دارند.

میدان گازی پارس جنوبی که بزرگترین میدان گازی مستقل جهان است، ۴۶۴ تریلیون فوت مکعب گاز را در دل خود جای داده است. این میدان گازی که از خط مرزی مشترک ایران و قطر می‌گذرد، در بخش ایرانی خود، جایگاه معادل ۸ درصد از ذخایر گاز جهانی و نیمی از ذخایر گازی شناخته شده کشور است. این به معنای آن است که ایران تنها با استحصال تمام گاز موجود در میدان پارس جنوبی، قادر است (به صورت فرضی) گاز مصرفی یک ماه از مصرف سالانه گاز در سطح جهانی را تأمین کند.

به عبارتی دیگر در صورتی که کل مردم جهان ۶/۵ میلیارد نفر فرض شوند سهم هر انسان از این میدان گازی ۲۰۴۰ متر مکعب گاز خواهد بود. توسعه این میدان که از مهمترین طرح‌های برنامه توسعه اقتصادی کشور است، با هدف

میدان گازی پارس جنوبی در بخش ایرانی خود جایگاه ۸ درصد از ذخایر گاز جهان و نیمی از ذخایر گازی شناخته شده کشور است

جایگزینی مصرف گاز به جای فرآورده‌های نفتی و تأمین تقاضای روبه رشد مصرف داخلی تزریق به میادین نفتی و همچنین صادرات آن در دستور کار شرکت ملی نفت ایران قرار گرفته است.

پس از کشف میدان پارس جنوبی و حفر اولین چاه اکتشافی آن در سال ۱۳۶۷، به منظور توسعه فاز یک این میدان، شرکت مهندسی و توسعه نفت (متن) در ۲۶ تیر ماه سال ۷۳ تشکیل شد. متن توسعه فاز یک را تا ۱۹/۹ درصد پیش برد ولی به علت تأمین نشدن بودجه کافی برای ادامه روند توسعه و با تشکیل شرکت نفت و گاز پارس به عنوان یکی از شرکت‌های فرعی شرکت ملی نفت ایران در اول دی ماه سال ۷۷، مسؤلیت توسعه کلیه فازهای میدان گازی پارس جنوبی و همچنین میدان گازی پارس شمالی به این شرکت (نفت و گاز پارس) تفویض شد. به این ترتیب شرکت نفت و گاز پارس مسؤلیت برگزاری مناقصه‌های بین‌المللی، انجام ارزیابی فنی و مالی، مذاکرات جهت عقد قراردادها و نظارت عالی بر اجرای قراردادهای توسعه میدان گازی و لایه‌نفتی پارس جنوبی و پارس شمالی و مدیریت و بهره‌برداری از مخازن آنها را به عهده گرفت.

بعد از ارایه اطلاعات اولیه عازم محل اجرای پروژه (سایت)ها شدیم. حروف انگلیسی کلمه هیوندای نصب شده بر روی تابلوهای بزرگ حصارهای محوطه عملیاتی فازهای ۲ و ۳ عمده‌ترین شاخص بود که به محض ورود به آن جلب توجه می‌کرد. این شرکت، پیمانکار دست اول مجری مجموعه ساخت و سازهای خشکی فازهای ۲ و ۳ است.

شرکت صنایع سنگین هیوندای نیز مسؤول

اجرای بخش فراساحل فازهای ۲ و ۳ توسعه میدان پارس جنوبی بود.

و این را از جرثقیل نزدیک اسکله‌های رویبروی محوطه فازهای ۲ و ۳ نیز می‌شد دریافت. در حالی که به در ورودی محوطه نزدیک می‌شدیم، تمام نگاهها به سرهم شدن صدها هزار تن لوله‌هایی که با قطرهای متفاوت در کنار هم مجموعه‌ای هماهنگ را شکل می‌دادند خیره شده بود ولی در آن زمان این لوله‌ها و پیچ و خم آنها مفهومی دیگر در برنداشت، الا این که از ورود گاز به این مجموعه روزانه ۱۰۰۰ فوت مکعب گاز، ۴۰ هزار بشکه میعانات گازی و ۲۰۰ تن گوگرد به دست خواهد آمد اکنون وارد محوطه فازهای ۲ و ۳ شده بودیم.

یکی از اعضای حراست سایت، جوانی بود با چهره‌ای برنزه و بدون حتی یک مو در سر و صورت، او با یک کلاه و یک عینک با شیشه‌های رنگی چهره‌ای کاملاً متفاوت با سایر اعضای حراست داشت. طی چند دقیقه مکثی که بعد از ورودی سایت در اتوبوس خبرنگاران داشتیم، او با حرکات دست خود مانند یک فرمانده نظامی، سایرین که ما اکثر آنها را نمی‌دیدیم، هدایت می‌کرد.

مدیر منطقه ویژه پارس جنوبی، با رسیدن به نزدیکی هر کدام از واحدهای مختلف پروژه خشکی فازهای ۲ و ۳ در مورد آن قسمت توضیح می‌داد. به اولین قسمت که تنها بخشی بود که در آن از لوله و آهن استفاده نشده بود رسیدیم. یوسفیان می‌گفت: این جا سالن کنترل فازهای ۲ و ۳ است.

تمام پروژه‌ها، از ۱۰۵ کیلومتری ساحل که دو سکوی حفاری وجود دارد و هر کدام از آنها ۱۰ حلقه چاه توسعه‌ای دارند گرفته تا دو رشته خط لوله زیر دریایی ۳۲ و ۴/۵ اینچی ۱۰۵ کیلومتری تا ساحل دریا و کل پالایشگاه گازی و زیر مجموعه‌های مختلف آن در این سالن حداکثر ۱۰۰ متر مربعی کنترل می‌شوند.

یکی از مسؤولین آموزش دیده ایرانی برای هدایت اتاق کنترل در این زمینه می‌گفت: «کوچکترین خبر از چاهها و سکوها و خط لوله و پالایشگاه و واحدهای آن از طریق رایانه قابل هدایت و کنترل است. حتی نوع گاز، این که سمی است، انفجاری است یا هر نوع اطلاعات دیگر از هر بخش در هر زمان قابل هدایت است.»

به این ترتیب ما در مغز فازهای ۲ و ۳ قرار

جراید صبح طی تحلیلی آنرا تأخیر ۱۷ میلیارد دلاری" در بهره برداری از میدان مشترک پارس جنوبی نامیده است.

این رقم ارزش مقدار گاز تولیدی است که قطر طی ۱۰ سال گذشته از بخش قطری این میدان مشترک برداشت کرده است.

پیشرفت فیزیکی ۸ درصد در ماه معجزه در مدیریت پروژه است. مدیریتی که اگر در آن نظم و نظامی جدی نباشد، امکان پذیر نیست. توتال در اصل اجرای پروژه را مدیریت می کرد اما مدیران خط مقدم اجرایی، مدیران هیوندای بودند که هر چند مدیران و پیمانکاران ایرانی از آنها دل خوشی ندارند اما حداقل در خصوص ایجاد نظم در سایت فازهای ۲ و ۳ در خشکی باید آنها را ستود.

در این سایت حتی یک قطعه چوبی و فلزی یا یک کارگر و تکنسین، بیکار و دست به کمر دیده نمی شود. در هر سوی، کلمه "هیوندای" شما را به اجرای کار فرا می خواند. اما در اکثر قریب به اتفاق تابلوهای نصب شده، ایمنی شرط مقدم بر کار دانسته شده است حتی اگر دید آنها به کار و ایمنی انسانی نباشد حداقل دید اقتصادی آنها را وادار به اجرای قوانین خشک ایمنی کرده بود به طوری که یکی از مواردی که بسیار چشمگیر بود، وجود تابلو و نوشته های مختلف هشدار دهند در مورد ایمنی در سایت فازهای ۲ و ۳ بود.

تنها یک مورد در این سایت دوباره کاری به نظر می رسید آن هم کندن یک موزائیک از سکوی ورودی سالن کنترل فازهای ۲ و ۳ بود، که چون اولین محل برای بازدید ما انتخاب شده بود، جالب به نظر رسید اما این موضوع حداقل در بازدید ۲ ساعته ما از این سایت تکرار نشد.

یوسفیان در مورد تعداد کارکنان ایرانی فازهای ۲ و ۳ می گفت: تا دو ماه پیش در پیک کار ۱۲ هزار نفر بودند که از این عده فقط ۱۰۰۰ نفر خارجی بودند. حدود ۴۵ درصد از ایرانی ها هم بومی منطقه بودند و مابقی از اقاصی نقاط ایران. اما الان حدود ۷ هزار و ۵۰۰ نفر در اینجا مشغول کار هستند.

هر چند یکی از کارکنان فازهای ۲ و ۳ می گفت بعد از ناآرامی های شهریور ماه اینجا را با پول جلو می برند و اجناس به قیمت های چند برابر و از واسطه های دست چندم خریداری می شود، اما شاید شتاب بخشیدن به لوکوموتیو پرسرعتی که با ناآرامی ها مجبور به ترمز کردن



بر اساس گزارشی که تا پایان آبان ماه از سوی توتال، پیمانکار عمومی فازهای ۲ و ۳ به شرکت نفت و گاز پارس ارایه شده پیش رفته است.

عملیات توسعه این فازها در ۲۵ مهر ماه سال ۷۷ به کنسرسيوم توتال، پتروناس و گازپروم اعطا شده است و بر اساس گفته های اسدالله صالحی فروز؛ مدیر عامل شرکت نفت و گاز پارس ۲۹ بهمن ماه امسال، اولین واحد تصفیه و فرآوری ۵۰۰ میلیون فوت مکعبی گاز از فازهای ۲ و ۳ به بهره برداری می رسد. با گذشت ۶ ماه از آغاز به کار اولین واحد، بهره برداری از سه واحد دیگر که در مجموع تصفیه ۲ هزار میلیون فوت مکعبی گاز را به عهده دارند آغاز خواهد شد.

صالحی فروز بر پایه گزارش توتال گفت: تا پایان آبان ماه بخش خشکی و دریا روی هم رفته ۸۳ درصد پیشرفت فیزیکی داشته اند که دو درصد عقب تر از برنامه زمان بندی شده است. او در خصوص علل دیر کرد توتال، مدیر اجرایی این فازها، گفت: نامساعد بودن وضعیت آب و هوایی منطقه، تعطیلات بی شمار سال شمسی برای شاغلان ایرانی و مشکلات کارگری در شهریور ماه امسال مهمترین مسایل عنوان شده از سوی توتال بوده اند که هیچ کدام از آنها مورد قبول ما نبوده است. وی در عین حال گفت: اگر منصفانه نگاه کنیم هیچ پروژه ای در کشور پیشرفت ماهانه ۸ درصد، نداشته است برای همین هر چند که تأخیرهای توتال قابل قبول نیست اما این مساله را باید طوری دیگر نیز نگریست. شاید منظور او تأخیری است که یکی از

داشتیم با خروج از سالن کنترل یکی از کارکنان که تعجب را در چشم های مادیده بود گفت: «تمام سیستم اداره اینجا به صورت کامپیوتری است، از کنترل پروژه و هدایت آن گرفته تا حتی حراست محوطه. این پروژه به صورت "بدون کاغذ" (Paper Less) اداره می شود.»

سایر واحدهای بعد از دو خط لوله مربوط به فازهای ۲ و ۳ که در کنار هم و از زیر زمین از سمت دریا به داخل پالایشگاه وارد شده عبارت بودند از: واحدهای دریافت و جداسازی گاز و میعانات گازی، تثبیت میعانات گازی، شیرین سازی، نم زدایی، تنظیم نقطه شبنم، مرکاپتان زدایی، تراکم گاز جهت انتقال، بازیافت و انجماد گوگرد و واحدهای مونوتیلن گلیکول (MEG) که برای تزریق در خط لوله گاز و کنترل خوردگی لوله ها از طریق خط لوله ۴/۵ اینچی استفاده می شود.

غیر از این واحدها، ۴ بویلر تولید بخار برای مصارف مختلف واحدهای مختلف پالایشگاه و همین طور ۴ توربین گازی تولید برق که ظرفیت تولید ۱۲۰ مگاوات برق را دارند، در این فاز تعریف، طراحی، مهندسی، ساخته، نصب و راه اندازی شده بود.

سایر واحدهای مربوط به توسعه فازهای ۲ و ۳ عبارت بودند از ۳ مخزن ۶۷ هزار متر مکعبی برای نگهداری مایعات گازی تثبیت شده و یک مخزن دیگر برای تثبیت آن و دو مشعل بلند که روشن بودن آنها نشانه شروع بهره برداری و به نوعی تداوم عملیات در پالایشگاه است در مجموع ۹۲/۶ درصد از پروژه بر اساس برنامه و

شد، راه دیگری نداشته باشد. هر چند که این سؤال بی پاسخ کماکان ذهن رابه خود مشغول می‌کند که آیا تعیین سقف برای اجرای پروژه‌ها به این معنی است که آرایه هر صورت‌حساب و قیمتی از سوی پیمانکار مورد قبول است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ چه کسی باید تاوان خریدهای چند برابر را بدهد؟

سقف پرداخت اجرای پروژه فازهای ۲ و ۳ به توتال ۴۲۱۹ میلیون دلار پیش بینی شده است و هیوندای با دریافت ۸۲۰ میلیون دلار از این مبلغ، پیمانکار دست اول خشکی و دریای این پروژه‌ها شده و کارها را در بخش‌های بعدی به ۳۵ تا ۴۰ شرکت پیمانکار ایرانی واگذار کرده است. طبق گفته‌های صالحی فروز تا به حال توتال حتی بیش از ۳۰ درصد از حجم کل قرار داد را براساس گزارش‌های هیوندای به پیمانکار داخلی واگذار کرده است.

ظاهراً این قرارداد قبل از تصویب و اجرای قانون استفاده از حداکثر (۵۱ درصد) توان ساخت داخل در پروژه‌ها به توتال داده شده است اما طبق قرارداد سهم ۳۰ درصدی برای ایرانیان در نظر گرفته شده است.

به هر تقدیر بعد از انجام مراحل مختلف فرآوری بر روی گاز استحصالی در فازهای ۲ و ۳ گاز شیرین از خط لوله ۵۶ اینچی - که انتقال گاز فازهای ۱ و ۲ را بر عهده دارد - به خط لوله سراسری "ایگات سوم" در منطقه کنگان ارسال خواهد شد. احداث این خط لوله ۷۲ کیلومتری با توجه به حجم خاکبرداری و سختی زمین و کوهستانی و صعب العبور بودن مسیر، یکی از بخش‌های دشوار طرح توسعه میدان گازی پارس جنوبی بوده و اجرای آن در نوع خود کم نظیر است. مسیر دسترسی خط لوله با عرض متوسط ۲۶ متر و طول ۶۸ کیلومتر نیز احداث شده است.

به هر صورت از محوطه فازهای ۳ و ۲ بیرون رفتیم و به سمت سایت فاز یک حرکت کردیم. اولین احساسی که به بازدیدکنندگان دست داد این بود که قانون حاکم بر فازهای ۳ و ۲ در فاز یک حکمفرما نیست. شاید به واسطه ورود سهل و ساده تر در فاز یک نسبت به فازهای ۳ و ۲ هر چند که هر دو مورد از قبل هماهنگی شده بودند ما به خاطر بی کاری مفرط تعداد بی‌شماری از کارگران ساده در محوطه شاید هم به خاطر وجود

آوردند و اداره کار را به عهده گرفتند، اما تغییرهای چندباره این شرکت را نیز نباید از نظر دور داشت. تغییر چند باره هیأت مدیره این شرکت شاید از مهمترین علل تأخیر فاز یک به شمار می‌رود. فاز یک براساس گفته‌های صالحی فروز تا پایان آبان ماه، ۷۶ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است در حالی که طبق برنامه باید ۹۳ درصد پیشرفت می‌کرد. اما خبرنگاران که ۷۶ درصد پیشرفت فیزیکی را در محل اجرای این پروژه به چشم ندیده بودند در برنامه مصاحبه‌ای که بعد از ظهر همان روز با حضور مدیر عامل شرکت نفت و گاز پارس، مهندس صالحی فروز برگزار شد از وی در این خصوص سؤال کردند.

صالحی فروز در پاسخ گفت: به غیر از تغییر مدیریت که در حال حاضر بهترین هیأت مدیره در آن منصوب شده و امید می‌رود که تأخیرها به پایان برسد، تأخیر برخی شرکت‌های ایرانی در تحویل قطعات، مجموعه‌ها و نصب و... و همچنین تأخیر در گشایش اعتبارها و سایر علل کوچک و بزرگ دیگر باعث این تأخیر شده‌اند. اما وی در عین حال گفت: خرید و تحویل تجهیزات از نظر پیمانکار اهمیت فراوانی دارد به طوری که با خرید و تحویل اجناس، پیمانکار ۶۰ درصد مبلغ قرارداد را مطالبه می‌کند. از این رو خرید ۷۰ درصد از تجهیزات مورد نیاز بخش خشکی، در بالا نشان دادن میزان پیشرفت فیزیکی تجهیزات در حال نصب و هنوز راه‌اندازی نشده، بی تأثیر نبوده است. یوسفیان و اوهرود امیدوارند تا پایان سال دیگر فاز یک به بهره برداری برسد اما باید منتظر پایان سال دیگر ماند و دید.

اما در مورد فازهای ۵ و ۴ باید گفت: ایتالیایی‌ها خود را بسیار سریع نشان داده‌اند. به طوری که تنها طی ۲ ماهی که از شروع عملیات اجرایی و در مرحله اول تسطیح زمین در فازهای ۵ و ۴ می‌گذرد پیشرفت قابل توجهی داشته است. این فاز تا پایان آبان ماه ۳/۲ درصد پیشرفت فیزیکی (در برابر ۴/۲ درصد تعیین شده و برنامه زمان‌بندی شده) داشته اما از آبان ماه به بعد اتفاقات بسیاری در سایت افتاده است. انی از ایتالیا، پیمانکار عمومی این پروژه است. طبق تعریف هر فاز توسعه‌ای در میدان پارس جنوبی استحصال روزانه یک میلیارد فوت مکعب گاز طبیعی، ۴۰ هزار بشکه میعانات گازی و ۴۰۰ تن

توسعه میدان گازی پارس جنوبی، با هدف جایگزینی مصرف گاز به جای فرآورده‌های نفتی و تأمین تقاضای رو به رشد مصرف داخلی، تزریق به میادین نفتی و همچنین صادرات آن در دستور کار شرکت ملی نفت ایران قرار گرفته است

چوب خرده‌ها و قطعات فلزی بی حساب و کنده کاری‌ها و گودال‌های موجود در این فاز بوده است چون هیچ کدام از این موارد در فازهای قبلی دیده نمی‌شد. کما این که هیچ نشانی هم از علایم هشدار دهنده ایمنی در کار نبود. همکاران خبرنگار سر میز غذا از کارگر جوشکاری، سخن می‌گفتند که لوله‌ای را از لوله‌ای دیگر جدا کرده است و در پاسخ پرسش همکاران در خصوص علت برش لوله، به سیادگی می‌گوید "این لوله برای این قسمت نبوده است! باید آنرا جایی دیگر جوش بدهیم." تابلوهای مختلف شرکت‌های پیمانکار ایرانی در فضای مختلف فازیک هم از جلوه‌های دیگر این فاز بود.

یوسفیان می‌گفت: اجرای پالایشگاه این فاز را پتروپارس به مشارکت "ایدرو- دایلم" واگذار کرده و ساخت سکوی دریایی آن را "صدرا- سامسونگ" در بوشهر انجام می‌دهند.

پتروپارس خود این فاز را بعد از اجرای حدود ۲۰ درصدی آن توسط متن با تأییدیه شورای اقتصاد مبنی بر این که یک شرکت خارجی یا ایرانی با سرمایه ایرانی می‌تواند فاز یک توسعه پارس جنوبی را با روش ترک تشریفات به عهده بگیرد، به دست آورده است. به این ترتیب شرکت پتروپارس که در جزیره ویرجین آیلند انگلستان و با سرمایه ایرانی به ثبت رسیده بود مدیریت این فاز را به عهده گرفت. این اولین پروژه در چرخه‌های ابعادی است که یک شرکت ایرانی در صنعت نفت مدیریت آن را به عهده می‌گیرد. جای خوشحالی بسیاری است که ایرانیان به هر تقدیر به دانسته‌ها و توانایی‌های خود ایمان

گوگرد را هدف قرار داده است.

با اجرای فازهای ۴ و ۵ علاوه بر دو برابر شدن استحصال مورد نظر برای هر فاز توسعه‌ای، سالانه یک میلیون تن اتان و یک میلیون تن گاز مایع نیز استحصال خواهد شد.

تأسیسات دریایی این طرح از دو سکوی دریایی چهار پایه، دو سکوی مشعل سه پایه، دو خط لوله ۳۲ اینچ و ۴/۵ اینچ هر کدام به طول ۱۰۵ کیلومتر تشکیل می‌شود.

تأسیسات خشکی نیز شامل پالایشگاه، ایستگاه تقویت فشار و خط لوله ۸۰ کیلومتری، ۵۶ اینچی برای انتقال گاز است. این طرح در اول مرداد ماه ۷۹ به کنسرسیوم (۶۰-۴۰) آجیپ ایتالیا و پتروپارس اعطا شده است.

توسعه طرح فازهای ۷ و ۶ نیز که روزانه ۳ میلیارد فوت مکعب گاز ترش برای تزریق (۲ فاز) در میدان نفتی جنوب و مصرف داخلی (یک فاز) تولید خواهد کرد، به پتروپارس سپرده شده است. این مجموعه دارای سه سکوی دریایی است که بر روی هر سکو ۱۰ حلقه چاه تولیدی حفر می‌شود. مانند فازهای دیگر، هر فاز با یک رشته لوله ۳۲ اینچ و ۴/۵ اینچی به طول ۱۰۵ کیلومتر گاز به دست آمده از چاه‌ها را به تأسیسات خشکی انتقال می‌دهد. اما تأسیسات ساحلی با ظرفیت دریافت ۳ میلیارد فوت مکعب گاز ترش مشتمل بر واحدهای جداسازی گاز و میعانات گازی، تثبیت میعانات گازی، نم‌زدایی گاز، استحصال گاز مایع و تنظیم نقطه شبنم و تراکم گاز بدون تصفیه به حالت ترش جهت انتقال به میدان نفتی آغاچاری و پالایشگاه بید

بلند از طریق یک خط لوله جدید ۵۶ اینچ به طول ۵۱۲ کیلومتر همراه با سه ایستگاه تقویت فشار منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی و آغاچاری خواهد بود.

عملیات توسعه این مراحل در بیستم تیر ماه سال ۷۹ به پترو پارس اعطا شده است این پروژه‌ها در کل تا پایان آبان ماه ۲/۴ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است.

اما برنامه زمان‌بندی شده آن چون یازده روز زودتر از واگذاری فاز ۴ و ۵ به پتروپارس اعطا شده است، ۴/۶ درصد عنوان می‌شود.

فازهای ۹ و ۱۰ نیز که مناقسه آن برگزار شده و در حال نهایی شدن است. عیناً مشابه فازهای ۵ و ۴ بود و برای استحصال ۲۰۰۰ میلیون فوت مکعب در روز برنامه‌ریزی شده است.

مناقسه فازهای ۱۱ و ۱۲ نیز برگزار شده و شرکت‌های استات اوایل نروژ، بی پی و توتال از پیشنهاد دهندگان عملیات توسعه‌ای فازها هستند.

استحصال روزانه ۲۰۰۰ میلیون فوت مکعب گاز ترش و ۸۰ هزار بشکه میعانات گازی برای خوراک دهی به واحدهای گاز طبیعی مایع شده (ال ان جی) از جمله اهداف این فازها است که گفته می‌شود برای صادرات ال ان جی در نظر گرفته شده است. در صورت موفقیت‌آمیز نبودن مطالعات و نظر طرفین احداث خط لوله انتقال گاز ایران - هند به احتمال قوی صادرات به هندوستان از طریق کشتی و به صورت ال‌ان‌جی از این فازها خواهد بود.

فازهای ۱۳ و ۱۴ نیز که در همین اواخر

تعریف شده‌اند دقیقاً اهداف فازهای ۱۱ و ۱۲ را دنبال می‌کند.

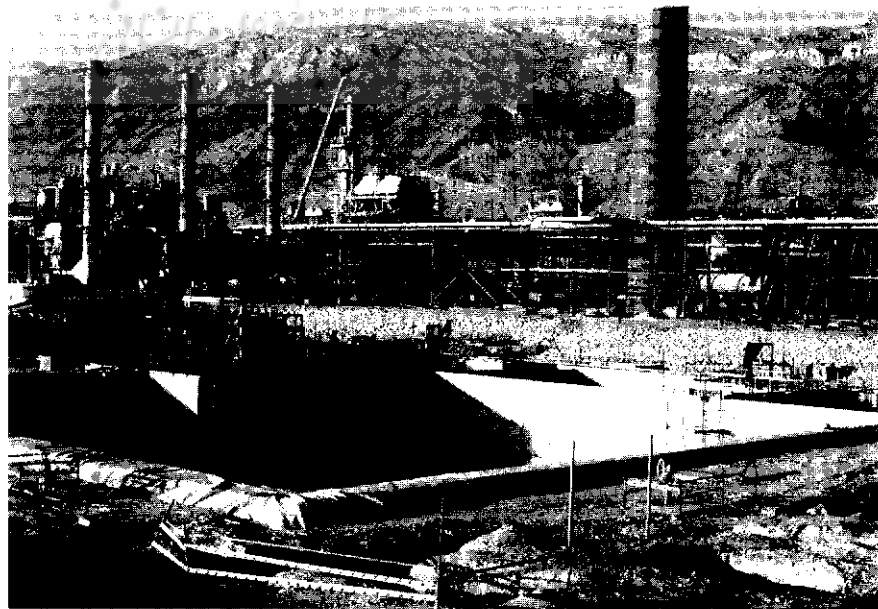
به این ترتیب ۸ فاز اول در حال انجام عملیات اجرایی در مراحل مختلف هستند فازهای ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ در حال برگزاری مناقسه و تعیین پیشنهاد دهنده برتر و ۲ فاز ۱۳ و ۱۴ به تازگی تعریف شده‌اند که به این ترتیب ۱۱ فاز دیگر برای توسعه میدان گازی پارس جنوبی تعریف و طراحی خواهد شد.

حجم عظیم گاز موجود در بخش ایرانی میدان مستقل گازی مشترک پارس جنوبی آن قدر زیاد است که تنها در این اواخر صحبت‌هایی از کشف چاه اکتشافی برای حصول اطمینان از وجود نفت عنوان شده است.

صالحی فروز در این باره گفت: با حفر دو چاه آزمایشی در صورتی که نتایج حفاری‌ها مثبت باشد طی دو فاز به ترتیب ۳۵ هزار بشکه در روز و ۱۰۰ هزار بشکه در روز توسعه خواهد یافت. در حال حاضر شرکت نفت و گاز پارس در حال ارزیابی این مخازن و تهیه برنامه توسعه آنها جهت تولید و صدور است.

نیمی از روز، گذشته بود. سر میز غذای خبرنگاران از دیده‌های خود می‌گفتند. شوخی عمده مطرح، برش لوله توسط کارگر جوشکار به دلیل اینکه سرجای خود نبوده است بود. اما همکاران از درگیری شهریور ماه بیشتر صحبت می‌کردند. ۱۲ شهریور ماه امسال در پی انجام یک عمل خلاف عفت در منطقه، این مساله به نطفه نا آرامی‌ها تبدیل شد. کارگران ایرانی فازهای ۲ و ۳ نیز که از قبل، از برخورد کارکنان و مدیران هیوندا دل خوشی نداشتند در ادامه این موضوع شروع به اعمال تلافی جویانه کردند و با خراب کردن برخی تأسیسات و مخصوصاً محل سکونت کارکنان هیوندای و توتال جوی نا امن ایجاد کردند.

گفته می‌شد مردم بومی منطقه و کارگران فاز یک علاوه بر کارکنان ایرانی فازهای ۲ و ۳ در این درگیری‌ها حضور داشته‌اند. به هر تقدیر روز ۱۲ شهریور این غائله آغاز شده و تا فردای آن روز ادامه می‌یابد، پروژه پر سرعت فازهای ۲ و ۳ در این زمان با یک ترمز اضطراری روبرو می‌شود. یکی از مهندسان و ناظرین ارشد ایرانی که برای تمام کارگران و کارشناسان قابل احترام بود در این باره گفت: قبل از اتفاق کارها به سرعت در



حرکت بود اما بعد از آن هر چند در یک ماه اخیر کارها بهتر شده است اما هیچ وقت به نشاط روزهای قبل از ۱۲ شهریور نخواهد رسید. او می‌گفت: مدیران توتال و هیوندای اکنون از تکرار ناآرامی‌ها در هراسند.

یکی دیگر از دوستان به صحبت‌های خود با یکی از کارکنان فازهای ۲ و ۳ اشاره می‌کرد و از طرف یک کانادایی شاغل در آن فازها عنوان می‌کرد: "بعد از اتمام این پروژه کاری، دیگر به منطقه برنخواهد گشت." اما همانطور که گفته شد توتال پروژه را با تزریق چند برابر پول هدایت کرده و در حال پیشروی است.

مهندس صالحی فروز درنشستی که بعد از ناهار با خبرنگاران داشت، در این باره گفت: علت یک تا دو ماه از تأخیر توتال در اجرای فازهای ۲ و ۳، وجود این ناآرامی‌ها ذکر شده است اما از آنجایی که ما هیچ تعهدی در خصوص تأمین امنیت آنها نداشتیم و در این خصوص آنها خود با شرکت "رهام" در مورد تأمین امنیت قراردادی امضا کرده بودند، بنابراین در اصل توتال به شرکت نفت و گاز پارس باید جوابگو باشد و رهام به توتال.

صالحی فروز همچنین در مورد اعلامیه منتشر شده از سوی انجمن شرکت‌های مهندسی و پیمانکاری صنعت نفت و گاز پتروشیمی گفت: وقتی پیمانکاران با هیوندای به طور مستقیم وارد مذاکره و معامله شده بودند، طبیعتاً ما در این بین مسؤول نبودیم. هر چند که از آنها انتظار داشتیم اگر مشکلی با هیوندای داشتند با ما در میان بگذارند و قبل از لبریز شدن صبرشان ما را در جریان بگذارند تا در نشست‌های مشترکی که با روسای توتال و هیوندای داریم با آنها در میان بگذاریم. اما اینطور نشد و بعد از آن اتفاق آنها اعلامیه‌ای مبنی بر تحریم شرکت هیوندای توسط پیمانکاران ایرانی منتشر کردند. بعد از این اعلامیه با آنها که نمایندگان و مدیران حدود ۳۶ شرکت مهندسی و پیمانکاری بودند، به توافق رسیدیم تا ۳ نماینده از بین آنها به انتخاب خود آنها به همراه نماینده شرکت نفت و گاز پارس (خودم) نشستی با مدیر ارشد توتال داشته باشیم.

بعد از توافق یکی از آن سه نفر بلافاصله، انصراف خود را اعلام کرد. دومین نماینده بعداً انصراف خود را به ما خبر داد و سومین نماینده قبل از وارد شدن به دفتر شرکت توتال.

صحبت‌های او هر چند خبرنگاران همیشه نارضی و پرسشگر را راضی نمی‌کرد، ولی همراه

تا پایان آبان ماه، بخش خشکی و دریا روی هم رفته ۸۳ درصد پیشرفت فیزیکی داشته‌اند که دو درصد عقب‌تر از برنامه زمان‌بندی شده است

با صداقت و عنوان کردن کوچکترین جزئیات بود که نشان از صداقت او در پیشبرد اهداف پیمانکاران ایرانی یا هر شرکت دیگر که خواهان احقاق حق خود از بخشی از کار که در حوزه مسؤلیت او بود داشت.

بعد از این جلسه که به درازا کشید، بازدید از پروژه‌های آبگیری از دریا، اسکله صادراتی گوگرد، خانه‌سازی شیرینو و سیل‌بند، برنامه‌هایی بودند که نیمی از آنها به خاطر کمی وقت انجام نشد.

یوسفیان درباره پروژه‌های آبگیری از دریا می‌گفت: ۱۰ فاز از فازهای مختلف توسعه پارس جنوبی، آب صنعتی و آشامیدنی مورد نیاز خود را از این طریق تأمین می‌کنند. قرارگاه خاتم الانبیاء مسؤول ساخت این پروژه‌ها است. با شروع بهره‌برداری از این پروژه‌ها در هر ساعت ۲۵ هزار متر مکعب آب از آنها به سایت‌های مختلف پمپ می‌شود. بعد از ورود آب به سایت‌ها، واحد نمک زدایی، آب صنعتی را از نمک موجود در آب جدا کرده و این آب به واحد شیرین‌کن برای آشامیدن می‌رود و باقی آن در واحدهای مختلف بخش خشکی فازها مورد استفاده قرار می‌گیرد. یکی از مصارف مهم آب صنعتی در سایت‌ها، سرد کردن لوله‌ها و مخازن مختلف موجود در واحدهای مختلف است. گاز فشرده شده وقتی به واحدهای چند گانه پمپاژ می‌شود، لوله‌ها را گرم می‌کند که این امر امکان انفجار را افزایش می‌دهد. اما در پالایشگاه در فاصله‌های کوتاه و مشخص دستگاه‌های بزرگ آب پاش تعبیه شده بود تا هر از گاهی با پاشیدن آب روی لوله‌ها و مخازن از گرم شدن بیش از حد آنها جلوگیری شود.

دیگر محل مورد بازدید خبرنگاران، اسکله صادراتی گوگرد به دست آمده از واحدهای گوگرد زدایی فازهای مختلف توسعه میدان گازی پارس جنوبی بود.

این اسکله در ابتدا برای پهلوگیری کشتی‌های ۵ هزار تنی آماده شده بود اما در مرحله بعد قرار شد تا اسکله برای کشتی‌های ۱۵ هزار تنی مهیا شود. در آخرین مرحله، مدیریت منطقه ویژه انرژی پارس جنوبی برنامه‌ای برای توسعه مجدد اسکله صادراتی گوگرد در ساحل منطقه در دست تهیه دارد. بعد از بازدید بسیار سریع از پروژه‌های آبگیری و اسکله صادراتی گوگرد راهی فرودگاه شدیم تا به تهران بازگردیم. زمانی که از جلوی محوطه عملیات فازهای ۴ و ۵ که در حال تسطیح بود، فاز یک که در حال نصب و راه‌اندازی واحدهای مختلف بود و فازهای ۲ و ۳ که در حال آزمایش و تشخیص آخرین عیوب سیستم‌ها بود، می‌گذشتیم، به این فکر می‌کردیم که قبل از وارد شدن به داخل جزیره مانند غریبه‌ای بیش نبودیم که به هر پدیده‌ای متعجبانه نگاه می‌کردیم. اما با آشنایی مختصری که از درون مجموعه‌ها به دست می‌آوردیم عظمت انبوه لوله‌ها و مخازن بیشتر در چشم‌ها جلوه می‌کرد درست مانند کوهی که هر چه به آن نزدیک تر می‌شوی بزرگتر جلوه می‌کند.

تنها مطلبی که به صورتی روشن ناگفته ماند، حضور پیمانکاران متعدد و کارگران فراوان ایرانی شاغل به کار در آنجا بود. ساخت و نصب بخش عمده‌ای از فازهای ۱ و ۲ و ۳ به دست پیمانکاران توانای ایرانی انجام شده بود و این تنها تأسیسات بخش ساحلی بود. در تأسیسات فراساحلی (دریایی) شرکت‌های دولتی و خصوصی ایرانی از ساخت سکوی بهره‌برداری SPD4 برای فازهای ۲ و ۳ گرفته تا لوله‌سازی در اهواز و لوله‌گذاری دریایی ...

همه و همه توسط ایرانیان انجام شده بود. وقتی به عظمت این سازندگی می‌رسید که بدانید برای مثال در ساخت سکوی دریایی SPD4 توسط شرکت ایزویکو حدود ۸۰ تن الکتروود و بیش از ۲۰۰ کیلومتر لوله در مجموعه تأسیسات مزبور به کار رفته است. در عین حال هنوز این سؤال باقی است که چرا مدیریت پروژه‌های کلان بخش نفت و گاز در کشوری با این حجم از ذخایر و سابقه فعالیت‌های نفتی در دست بیگانگان است؟